

عرضه روایات بر آیات قرآن از نظر علامه طباطبایی در تفسیر المیزان

مهرناز گلی*

استادیار دانشکده الهیات، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان،

ایران

آذر زارعی**

کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی زاهدان، زاهدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۶)

چکیده

نخستین معیار در ارزیابی صحت متن حدیث، قرآن کریم است؛ به این معنا که اگر احادیث وارد از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار با محتوای قرآن سازگار باشند پذیرفته هستند، و در صورت ناسازگاری و مخالفت با نصوص و محکومات قرآنی به کنار افکنده می‌شوند، حتی اگر اسناد احادیث صحیح و معتبر باشند. لذا مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی روش علامه طباطبایی را در تفسیر المیزان درباره عرضه روایات بر آیات بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که رد روایات پس از عرضه به دلایل، مخالفت با سیاق و ظاهر آیه، مخالفت روایت با سیاق آیه در بیان مکی و مدنی، ناسازگاری روایت با سیاق آیه به دلیل تکذیب روایت با سیاق و حمل کل آیه بر یک واژه است و پذیرش روایت هم به دلیل موافقت با قرآن و آیه قرآن، استعمال قرآن، از راه جری و تطبیق است که علامه به بررسی دقیق این موارد در تفسیر خود پرداخته است.

واژگان کلیدی: طباطبایی، المیزان، عرضه، روایات، آیات.

* E-mail: goli_m@theo.usb.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: zare_azar@yahoo.com

مقدمه

مراد از عرضه حدیث بر قرآن، یاری گرفتن از قرآن برای تعیین و ارزیابی صحت و اعتبار روایات است؛ چراکه قرآن از نظر دلالت، صدور و صحت انتساب و اصالت و حیانی خود بدون تردید و بطلان ناپذیر می‌باشد و از ناحیه خداوند حکیم نازل شده است. لیکن حجیت روایات به حجیت قرآن بازمی‌گردد و همان‌گونه که روایات در اصل حجیت نیازمند قرآن هستند، در تعارض روایات و تشخیص درستی و یا نادرستی مفهومی نصوص نیز معیار اعتبار و سنجش، قرآن است (ر.ک؛ آملی، ۱۳۷۸: ۳۸۸).

درباره اهمیت و ضرورت مقاله پیش رو، از آنجا که احادیث و روایات نقشی اساسی در تفسیر و فهم معانی قرآن دارند. پس اولین راه صحت احادیث، عرضه آن‌ها بر قرآن است. اگر با قرآن موافق بودند، به آن‌ها عمل و در غیر این صورت، آن‌ها را رها می‌کنیم. در زمینه عرضه روایات بر آیات، مقالات و کتب مختلفی نوشته شده است (از جمله؛ دلبری: ۱۳۹۰؛ احمدی، ۱۳۷۶: ۳۰۸؛ مؤدب، ۱۳۷۸: ۳۰۴ و...). علاوه بر این، از زمان رسول خدا^(ص) نیز این امر بسیار مورد توجه بوده است و از پیامبر اکرم^(ص) به صورت متواتر نقل شده است که فرموده‌اند: «ستکون عنی رواة یروون الحدیث فأعرضوه علی القرآن، فإن وافق القرآن فخذوه والّا فذروه: به زودی پس از من راویانی خواهند بود که حدیث مرا نقل می‌کنند. هرگاه حدیث من به شما رسید، آن را بر قرآن عرضه نمایید؛ چنانچه بین آن حدیث و قرآن همخوانی یافتید، به آن عمل کنید و در غیر این صورت، حدیث را رها کنید» (متقی الهندی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۹۶).

یکی از تفاسیری که به بررسی عرضه حدیث بر قرآن پرداخته، تفسیر المیزان اثر علامه طباطبائی است. این تفسیر با وجود اینکه تفسیری قرآن به قرآن است، برای روایات ارزش والایی قائل است، برخلاف سایر مفسران که قرآن را تک‌بُعدی تفسیر کرده‌اند و نحوه پذیرش روایات از نظر ایشان آن است که اگر روایات با سیاق و ظاهر آیه ناسازگار

باشند یا از مواردی بودند که در مقاله حاضر بررسی می‌شوند، آن‌ها را رد می‌کنند؛ از جمله مواردی که مقاله حاضر در پی بررسی آن است، اینکه آیا عرضه حدیث بر قرآن از گذشته تاکنون وجود داشته است و با توجه به حدیثی که پیامبر (ص) فرموده‌اند: «يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ» (الحياة، ۲: ۲۲۰)؛ «همان طور که قرآن تا زمانی که خورشید و ماه در جریان‌اند، وجود دارد»، عرضه حدیث بر قرآن نیز وجود دارد و آیا این دو مکمل هم هستند یا خیر!

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. عرضه

بر وزن «فَلَسَ» به معنای «ظهور و اظهار، و "عرض" خلاف طول» است (قرشی، ۱۳۸۱: ۳۲۳). همچنین، به معنای «نمایش و ارائه» است (ر.ک؛ عمید، ۱۳۸۸: ۶۷۸).

۲-۲. أَعْرَضَ

به معنای «آن را آشکار ساخت» و خدای تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْظَمُ مِمَّنْ ذُكِرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُتَقِمُونَ﴾ چه کسی ستمکارتر است از آن کس که آیات پروردگارش به او یادآوری شده است و او از آن اعراض کرده است؟! مسلماً ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت! ﴿(السجده/۲۲) و «أَعْرَضَ عَنِّي: از من روی گردانید» (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰: ۶۰).

۲-۳. آیات

جمع «آیه» به معنای «علامت ظاهری و مشخص» است و حقیقت آن عبارت است از: «هر چیز ظاهری که ملازم است با شئی که ظهور آن مشخص نیست و نیز هر جمله‌ای از

قرآن که حکمی داشته باشد، آیه تلقی می‌شود. گاهی نیز به هر کلامی که فصلی را از فصل دیگر جدا کند، آیه گویند؛ خواه این حکم، یک سوره باشد، خواه چند فصل و خواه یک فصل از یک سوره» (همان: ۱۰۰).

۲-۴. روایات

روایت در لغت به معنای «نقل و حمل» است؛ چنان‌که به انسان یا حیوانی که آب حمل می‌کند، «راویه» گویند و به روز هشتم ذی‌الحجه بدین سبب که حاجیان برای عزیمت به عرفات آب حمل می‌کنند «یوم الترویة» گفته شده است (ر.ک؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۸ ق: ۳۴۷). همچنین، روایت در اصطلاح، مترادف حدیث است و همان معنای حدیث در روایت نیز جاری می‌شود (ر.ک؛ همان). اکنون به بررسی روش علامه طباطبائی در نحوه پذیرش ورود روایات بر آیات می‌پردازیم.

۳. رد روایات پس از عرضه

۳-۱. مخالفت با سیاق آیه

واژه «سیاق» در لغت به معنای «راندن، به حرکت درآوردن و سوق دادن چهارپایان» است (جوهری، ۱۴۰۷ ق: ۱۴۴۹) و یا «جان‌کندن در هنگام احتضار» (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ ق: ۴۳۵). در آثار مفسران، به معنای «قرینه و دلالتی برای فهم کلام» است (زرکشی، ۱۹۷۷ م: ۲۰۰). اما از نظر علامه طباطبائی، «برانگیختن بر تفسیر» است و ایشان ظاهر قرآن را حجت دانسته است و در صورت مخالفت روایات با ظاهر آیات قرآن، اصالت را به آیات می‌دهد و روایات را رد می‌کند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۳۴۹).

قمی در تفسیر خود می‌گوید:

«ابی‌الجارود از حضرت ابی‌جعفر روایت کرده که ذیل آیه ﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْعُدْوَىٰ وَالْأَصَالِ﴾: تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، از روی اطاعت یا اکراه و نیز سایه‌هایشان، هر صبح و عصر برای خدا سجده می‌کنند ﴿(الرعد/۱۵)﴾، فرموده‌است: اما آن‌هایی که از اهل زمین خدا را سجده می‌کنند، همان کسانی هستند که در اسلام به دنیا آمده‌اند و خدای را به طوع و رغبت خود سجده می‌کنند و آن‌هایی که گُرْهًا سجده می‌کنند، عبارتند از کسانی که از روی ناچاری مسلمان شده‌اند، اما آن‌هایی که سجده نمی‌کنند، سایه‌شان خدا را در صبح و شام سجده می‌کند» (قمی، ۱۳۷۶: ۳۶۱).

۲-۳. نقد علامه

ظاهر روایت با سیاق آیه مخالفت دارد؛ چراکه «سیاق» بیان عمومیت قهر خدای تعالی از راه بیان عظمت و علو اوست نسبت به آنچه که در آسمان‌ها و زمین و یا حتی نسبت به سایه ایشان است و این بیان خبر از این می‌دهد که سجده موجودات و سایه‌شان حقیقت سجده است، نه سر به زمین نهادن، ولی از ظاهر روایت چنین برمی‌آید که سجده را به معنای سر به زمین نهادن گرفته‌است و می‌گوید:

«این سجده در عموم اهل آسمان‌ها و زمین است؛ در بعضی به طوع و رغبت، در بعضی دیگر به کره و اجبار، و در پاره‌ای دیگر که خودشان سجده نمی‌کنند، سایه‌شان به سجده شبیه است. علاوه بر این، با آیه ﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْعُدْوَىٰ وَالْأَصَالِ﴾: و سایه‌هایشان بامداد و شامگاه برای خدا سجده می‌کنند ﴿(الرعد/۱۵)﴾ و آیه: ﴿أُولَئِكَ يَرْوُونَ إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّؤُا ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ﴾ * وَ لِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ: آیا آن‌ها مخلوقات خدا را ندیدند که سایه‌هایشان از

راست و چپ حرکت دارند و با خضوع برای خدا سجده می کنند؟! * (نه تنها سایه ها، بلکه) تمام آنچه در آسمان ها و زمین از جنبندگان وجود دارد و نیز فرشتگان برای خدا سجده می کنند و تکبر نمی ورزند ﴿النحل / ۴۸-۴۹﴾، سازگار نیست؛ زیرا روایت می گوید سایه یک طایفه سجده می کنند، ولی آیه می فرماید سایه همه آنها سجده می کنند» (طباطبائی، ۱۳۸۹: ۴۷۷).

۲-۳. مخالفت با سیاق و ظاهر آیه

اگر روایتی در عین اینکه از لحاظ سندی معتبر است، با آیات قرآن تعارض و تنافی داشته باشد، هیچ گونه ارزش و اعتباری نخواهد داشت (ر.ک؛ احمدی، ۱۳۷۶: ۳۰۸)؛ چراکه علامه طباطبائی ظاهر قرآن را حجت می داند و در صورت مشاهده مخالفت روایت با ظاهر آیه، اصالت را به آیه داده، روایت را رد می کند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۲۴۸).

۳-۲-۱. در درالمشور از ابن جریر آمده که ابن ابی حاتم و ابوالشیخ از قتاده در تفسیر آیه ﴿الَّذِينَ يُوَفُّونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ﴾ آن ها که به عهد الهی وفا می کنند و پیمان را نمی شکنند ﴿الرعد / ۲۰﴾، روایت کرده اند:

«بر شما باد وفای به عهد و اینکه میثاق را نشکنید؛ زیرا خداوند از آن ها نهی و درباره آن ها به شدیدترین وجه اعلام خطر کرده است و آن ها را در حدود بیست و چند جای قرآن به عنوان خیرخواهی شما آورده است و حجت را بر شما قرار داده، و اهل فهم، عقلا و دانشمندان می دانند که عظمت هر چیزی به مقداری است که خداوند عظمتش داده باشد و از رسول خدا (ص) برای ما نقل کرده اند که در خطبه خود فرموده است: ایمان ندارد کسی که امانت دار نیست و دین ندارد آن کس که به عهد خود پایبند نیست» (سیوطی، ۱۳۷۹: ۵۶).

۲-۲-۳. در درالمنثور سیوطی آمده، ابن جریر و ابن ابی حاتم از عکرمه و حسن در ذیل آیه ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد و (نیز) تا استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند ﴿(الأنفال/۳۳)﴾، روایت کرده اند که این آیه را آیه بعدی یعنی ﴿وَمَا لَهُمْ آلَا يَعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلاَّ الّٰمْتَنِقُونَ وَ لَآ كُنَّ أَكْثَرَهُمْ لَآ يَعْلَمُونَ﴾: چرا خدا آنها را مجازات نکند، با اینکه از (عبادت موحدان در کنار) مسجدالحرام جلوگیری می کنند، در حالی که سرپرست آن نیستند؟! سرپرست آن فقط پرهیزگارانند، ولی بیشتر آنها نمی دانند ﴿(الأنفال/۳۴)﴾ نسخ کرده است؛ لذا در مکه به مقاتله، گرسنگی و حصر دچار شدند (سیوطی، ۱۳۷۹: ۱۸۱).

۳-۳. ناسازگاری روایت با سیاق آیه، به دلیل تکذیب روایت با سیاق

علامه در تمام تفسیر خود سیاق آیات را مبنای پذیرش روایت قرار می دهد و در صورت مغایرت روایتی با آیه قرآن، روایت را رد می کند.

درالمنثور از ابن مردویه و ابوهیریه ذیل آیه ﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُوْلَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (الزمر/۳۳)، روایت کرده منظور آیه آن است که کسی که صدق آورده رسول خدا^(ص) است و منظور از آن که وی را تصدیق کرد، علی بن ابی طالب است (ر.ک؛ سیوطی، ۱۳۷۹: ۳۲۸).

۴-۳. مخالفت روایت با سیاق آیه به دلیل حمل معنای کل آیه بر یک واژه

برخی روایات ذیل آیتی ذکر شده اند که درصدد بیان معنای یک واژه بوده اند، ولی معنای کل آیه را ذکر کرده اند که سیاق آیات آن موضوع، آن روایات را رد می کنند.

طبرسی در کتاب توحید به سند خود از محمدبن مارد روایت کرده که شخصی از امام صادق^(ع) معنای آیه ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ همان بخشنده‌ای که بر عرش مسلط است ﴿طه/۵﴾ را پرسید. حضرت فرمودند: یعنی همه چیز از نظر دوری و نزدیکی برای او یکسان است» (طبرسی، ۱۳۸۹: ۳۱۵).

۵-۳. نقد علامه

این روایت تفسیر مجموعه آیه است، نه فقط تفسیر کلمه «استوی»، و گرنه ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ جمله‌ای تام و مرکب از مبتدا و خبر است و با سیاق آیه سازگاری ندارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

۵-۳. مخالفت روایت با سیاق آیه در بیان مکی و مدنی بودن

برای شناخت آیات و سوره مکی و مدنی ملاک‌ها و معیارهای مختلفی وجود دارد. طبق این معیارها، آیات را به مکی، مدنی، حضری، سفری، ارضی و سماوی تقسیم‌بندی کرده‌اند (ر.ک؛ حجتی، ۱۳۸۶: ۷۵)، ولی علامه طباطبائی بهترین راه برای تشخیص سوره مکی و مدنی را سیاق خود آیات می‌داند.

در درازالمشهور از ترمذی، نسایی، ابن منذر، ابن حبان، ابوالشیخ در کتاب «عظمت و حاکم» (که ترمذی و حاکم روایت را صحیح دانسته‌اند)، ابن مردویه، ابونعیم و بیهقی هر دو در کتاب «دلایل» خود، همگی نامبردگان ذیل آیه ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ و از تو درباره روح سؤال می‌کنند. بگو: روح از فرمان پروردگار من است و جز اندکی از دانش به شما داده نشده است! ﴿(الإسراء/ ۸۵)، از ابن عباس روایت کرده‌اند که گفت:

«قریش به یهودیان مراجعه کردند که از امور دینی چیزی به ما یاد دهید تا از

این مرد پرسیم، شاید از جواب ما عاجز مانده، زبانش از ما کوتاه گردد! یهودیان

گفتند: از روح سؤال کنید و وقتی این آیه را در پاسخ شنیدند، گفتند: اتفاقاً ما علم بسیار داریم، ما تورات داریم و هر که تورات داشته باشد، چیز بسیاری دارد و در پاسخ سخنشان این آیه نازل شد: ﴿قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَ لَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا﴾: بگو: اگر دریاها برای (نوشتن) کلمات پروردگرم مرکب شود، دریاها پایان می گیرد. پیش از آنکه کلمات پروردگرم پایان یابد؛ هر چند همانند آن (دریاها) را کمک آن قرار دهیم! (الکهف/۱۰۹).

○ نقد علامه

علامه می فرماید: «که اصولاً سؤال نامبرده را خود یهود در مدینه از آن جناب کرده اند و آیه نیز در جواب آن‌ها در مدینه نازل شده است، ولیکن مکی بودن سوره و نیز وحدت سیاق آیه با این روایت سازگار نیست (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۲۱۳ و سیوطی، ۱۳۷۹: ۱۹۹).

۶۳. مخالف بودن روایت با باطن قرآن

در تفسیر برهان از ابن شهر آشوب، از ابی حمزه و از ابی جعفر روایت کرده که در تفسیر آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه پدران و برادران شما کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آن‌ها را ولی (و یار و یاور و تکیه گاه) خود قرار ندهید و کسانی از شما که آنان را ولی خود قرار دهند، ستمگرند! ﴿(التوبه/۲۳)، فرموده: ایمان عبارت است از ولایت علی بن ابی طالب ﴿(برهان، ۱۴۱۶ ق: ۱۱۱).

○ نقد علامه

علامه به این دلیل که روایت متعرض باطن قرآن است و درک آن مبتنی بر تجزیه و تحلیل ایمان است و ایمان مراتب و حدّ کمالی دارد، آن را رد کرده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۲۸۶).

۴. قبول و پذیرش روایت

۴-۱. موافقت با قرآن

مراد از موافقت حدیث با قرآن، هماهنگی و انطباق مفاد حدیث با نصوص، ظواهر و خطوط کلی ترسیم شده از سوی قرآن است (ر.ک؛ خوئی، ۱۴۱۲ق: ۴۰۷) که علامه طباطبائی نیز به این ویژگی مهم توجه بسیاری داشته است.

۴-۱-۱. در تفسیر مجمع‌البیان از حضرت ابی جعفر نقل شده که فرموده: داود است:

«اهالی شهر ایله را نفرین کرد و علتش این بود که آن‌ها روز شنبه خود را که در آن مراسمی دینی داشتند، سبک شمرده است، مراسم آن را به‌جا نیاورده‌اند و از دستوره‌های آن روز سرپیچی کرده‌اند. لذا داود به درگاه خداوند عرض کرد: بار الها! لعنت خود را همچون ردا بر آنان بپوشان و همچون کمر بند بر دو پهلویشان بربند. پس خدای تعالی ایشان را به صورت مسخ نمود» (طوسی، ۱۳۷۹: ۲۳۱).

○ دلایل پذیرش علامه

قرآن نیز این معنا را که اصحاب سبت به صورت میمون مسخ شده‌اند، در دو آیه زیر تأیید می‌کند: ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾ به طور قطع از حال کسانی از شما که در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند، آگاه شده‌اید!

ما به آن‌ها گفتیم: به صورت بوزینه‌هایی طرد شده درآید! ﴿البقره/ ۶۵﴾ و در آیه‌ای دیگر که می‌گوید: ﴿وَأَسْأَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ: و از آن‌ها درباره (سرگذشت) شهری که در ساحل دریا بود، پیرس! زمانی که آن‌ها در روزهای شنبه، تجاوز (و نافرمانی) خدا می‌کردند؛ همان هنگام که ماهیانشان روز شنبه (که روز تعطیل، استراحت و عبادت بود، بر سطح آب) آشکار می‌شدند، اما در غیر روز شنبه به سراغ آن‌ها نمی‌آمدند. اینچنین آن‌ها را به چیزی آزمایش کردیم که نافرمانی می‌کردند! ﴿(الأعراف/ ۱۶۳) (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

۲-۴. موافقت با استعمال قرآن

در تفسیر عیاشی، محمدبن یوسف صنعانی از پدرش روایت کرده که از حضرت ابی جعفر معنی آیه ﴿وَإِذْ أُوحِيَ إِلَى الْخَوَارِجِ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ و (به یاد آور) زمانی را که به خواریون وحی فرستادم که به من و فرستاده من ایمان بیاورید، آن‌ها گفتند: ایمان آوردیم و گواه باش که ما مسلمانیم! ﴿(المائدة/ ۱۱۱) را پرسیده است: «مگر به خواریون هم وحی می‌شد؟» ایشان پاسخ دادند: «وحی در اینجا به معنای الهام است» (عیاشی، ۱۴۲۱ق: ۳۵۰ و ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۳۲۱).

○ دلایل پذیرش علامه

علامه می‌فرماید:

«در بسیاری از موارد در قرآن، وحی به جای الهام استعمال شده که یکی از آن‌ها آنجاست که می‌فرماید: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقَاهُ فِي الْيَمِّ وَ لَا تَخَافِي وَ لَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ: ما به

مادر موسی الهام کردیم که: او را شیر ده و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا (ی نیل) بیفکن و ترس و غمگین مباش؛ که ما او را به تو باز می گردانیم و او را از رسولان قرار می دهیم! ﴿القصص/۷﴾ و دیگری: ﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ﴾ و پروردگار تو به زنبور عسل وحی (و الهام غریزی) نمود که از کوه‌ها، درختان و داربست‌هایی که مردم می سازند، خانه‌هایی برگزین! ﴿النحل/۶۸﴾ (طباطبائی، ۱۳۸۹: ۲۵۰).

۳-۴. موافقت با آیه قرآن

در *در المنثور* از ابن عباس روایت شده که ایشان درباره ماه رمضان و لیلۀ مبارکه و لیلۀ القدر گفته اند: لیلۀ القدر همان لیلۀ مبارکه است که در ماه رمضان واقع شده است و در آن ماه، قرآن کریم از ذکر به بیت المعمور نازل شد و بیت المعمور همان موقعیت ستارگان در آسمان دنیاست که قرآن در آنجا قرار دارد و آنگاه به تدریج، قسمتی در امر، قسمتی در نهی و آیاتی نیز درباره جنگ‌ها و... به رسول خدا (ص) نازل شد (سیوطی، ۱۳۷۹: ۱۸۹).

○ دلائل پذیرش علامه

علامه می فرماید:

«این روایت که از ابن عباس نقل شده، مطابق با آیات ﴿ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ﴾ این‌ها را که بر تو می خوانیم، از نشانه‌ها (ی حقانیت تو) و یادآوری حکیمانه است ﴿آل عمران/۵۸﴾ و ﴿وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ﴾ فی رَقٍّ مَّنشُورٍ * و الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ * وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ: و کتابی که نوشته شده * در صفحه‌ای گسترده * و سوگند به بیت المعمور * و سقف برافراشته ﴿الطور/۵۲﴾ و ﴿فَلَمَّا أَثِمَّ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ * وَإِنَّهُ لَنَسَمٌ لَّو تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ﴾ إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ * فی كِتَابٍ مَّكْنُونٍ * لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ: سوگند به جایگاه ستارگان (و محل طلوع و

غروب آن‌ها!) * و این سوگندی است بسیار بزرگ، اگر بدانید! * که آن، قرآن کریمی است) که در کتاب محفوظی جای دارد * و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند [دست یابند] است ﴿ (الواقعه / ۷۵-۷۹) (طباطبائی، ۱۳۸۹: ۳۹).

۱-۳-۴. در تفسیر قمی از امام باقر^(ع) روایت شده است که ایشان فرموده‌اند:

«این معنا بر خدا حق و سزاوار است که به شارب الخمر بنوشاند آن آبی را که از فرج زنان فاحشه می‌ریزد و در آن روز، آن آب عبارت است از: صدیده‌ها. صدید، چرک و خون غلیظ درهمی است که حرارت و بوی گند آن اهل دوزخ را عذاب می‌دهد» (قمی، ۱۳۷۶: ۱۸۰).

○ دلایل پذیرش علامه

علامه می‌فرماید:

«این روایت مطابق با این آیه از قرآن است که می‌فرماید: ﴿إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ * طَعَامٌ الْأَثِيمِ * كَالْمُهْلِ يَغْلَى فِي الْبُطُونِ * كَغَلَى الْحَمِيمِ * خَذُوهُ فَاغْتَلَوْهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ * ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ * ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْمُرِيمِ: مسلماً درخت زقوم * غذای گنهکاران است؛ * همانند فلز گداخته در شکم‌ها می‌جوشد؛ * جوششی همچون آب سوزان! * (آنگاه به مأموران دوزخ خطاب می‌شود: این کافر مجرم را بگیرید و به میان دوزخ پرتابش کنید! * سپس بر سر او از عذاب جوشان بریزید! * (به او گفته می‌شود: بچش که (به پندار خود) بسیار قدرتمند و محترم بودی! ﴿ (الدخان/۴۳-۴۹) (طباطبائی، ۱۳۸۹: ۳۰۰).

۲-۳-۴. در تفسیر عیاشی، خالد بن نجیع از جعفر بن محمد روایت شده که ذیل آیه ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ: آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است، آگاه باشید، تنها

با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد! ﴿(الرعد / ۲۸)، به محمد بن عبدالله فرموده که قلوب نیز طمأنینه می‌یابد؛ چراکه این ذکر خدا و حجاب خداست (ر.ک؛ عیاشی، ۱۴۲۱ق: ۲۱۰).

○ دلایل پذیرش علامه

علامه می‌فرماید:

«در آیه ﴿أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾ خداوند عذاب سختی برای آن‌ها فراهم ساخته است. پس از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، ای خردمندانی که ایمان آورده‌اید! (زیرا) خداوند چیزی که مایه تذکر است، بر شما نازل کرده است ﴿(الطلاق / ۱۰)، ذکر نیز به رسول خدا^(ص) اشاره دارد» (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۵۰۲).

۳-۳-۴. در تفسیر درالمشهور است که در حلیه از ابن عباس روایت شده که ایشان فرموده‌اند: «رسول خدا^(ص) فرموده است خدای تعالی هیچ آیه‌ای را که در آن ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ باشد، نازل نفرموده، مگر آنکه علی بن ابی طالب در رأس آن و امیر آن است» (سیوطی، ۱۳۷۹: ۱۰۴).

○ دلایل پذیرش علامه

علامه می‌فرماید:

«در بسیاری از موارد، آیاتی وجود دارد که دلالت بر شخصیت والای حضرت علی^(ع) می‌کند؛ مانند آیات ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ (چراکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب (به چنین برنامه و آیین درخشانی) ایمان آورند، برای

آن‌ها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آن‌ها باایمانند و بیشتر آن‌ها فاسق‌اند (و خارج از اطاعت پروردگار هستند) ﴿آل عمران/۱۱۰﴾ و ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتُمْ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ همان گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است)، شما را نیز امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط) تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه است و ما آن قبله‌ای را که قبلاً بر آن بودی، تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می‌کنند، از آن‌ها که به جاهلیت بازمی‌گردند، مشخص شوند و مسلماً این حکم جز بر کسانی که خداوند آن‌ها را هدایت کرده است، دشوار بود. (این را نیز بدانید که نمازهای شما در برابر قبله سابق، صحیح بوده است) و خدا هرگز ایمان [و نماز] شما را ضایع نمی‌گرداند؛ زیرا خداوند به مردم رحیم و مهربان است ﴿البقره/۱۴۳﴾ و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید و با صادقان باشید! ﴿التوبه/۱۱۹﴾ (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۳۴۵).

۴-۴. پذیرش از راه جری و تطبیق

جریان تطبیق آیات قرآن در گذر زمان بر مصادیق جدید، بی‌ارتباط با همان بطن آیات نیست و از ویژگی‌های دیگر قرآن است که پشتوانه مهمی برای جاودانگی آن است. طبق این دیدگاه، اگرچه بخشی از آیات قرآن سبب نزولی خاص و مصداق نخستین دارد، اما امکان تحلیل و تطبیق آن بر مصادیق دیگر نیز وجود دارد (ر.ک؛ مؤدب، ۱۳۷۸: ۳۰۴). علامه می‌فرماید: «جری تعبیری است که ائمه در روایات خود برای استمرار پیام قرآن کریم در همه زمان‌ها به کار برده‌اند و مصادیق و حکم آن شامل همه دوره‌ها می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۶۷).

۴-۴-۱. در تفسیر عیاشی از امام صادق^(ع) ضمن تفسیر آیه ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ کسانی که کتاب آسمانی به آن‌ها داده‌ایم [= یهود و نصاری]، آن را چنان که شایسته آن است، می‌خوانند. آن‌ها به پیامبر اسلام ایمان می‌آورند و کسانی که به او کافر شوند، زیانکارند ﴿البقره/۱۲۱﴾ آمده‌است که ایشان فرموده‌اند: «وقتی پایان به بهشت و دوزخ می‌رسد، می‌ایستند و فکر می‌کنند و در کافی از آن جناب روایت کرده که در تفسیر این آیه فرموده‌است: اینان که قرآن را به حق تلاوت می‌کنند، امامان امت‌اند» (عیاشی، ۱۴۲۱ق: ۵۷؛ کلینی، ۱۳۸۶: ۲۱۵ و طباطبائی، ۱۳۸۹: ۴۰۲).

۴-۴-۲. در تفسیر قمی ذیل آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمًا نَصَبَتْ جُلُودَهُمْ بَدَنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ کسانی که به آیات ما کافر شدند، به زودی آن‌ها را در آتشی وارد می‌کنیم که هرگاه پوست‌های تنشان (در آن) بریان گردد (و بسوزد)، پوست‌های دیگری به جای آن قرار می‌دهیم تا کیفر (الهی) را بچشند. خداوند توانا و حکیم است (و روی حساب کیفر می‌دهد) ﴿النساء/۵۶﴾، گفته شده‌است: «امام فرموده منظور از این آیات، امیرالمؤمنین است» (قمی، ۱۳۷۶: ۱۴۱). علامه می‌فرماید: «این روایات از باب جری و تطبیق است» (طباطبائی، ۱۳۸۹: ۶۱۲).

۴-۵. پذیرش روایات همراه با جری و تعدیل

منظور ایشان از بیان جری و تعدیل روایات، بیان مصداق باطنی آیات است که روایت علاوه بر معنای ظاهری، بیان تأویلی نیز دارد.

۴-۵-۱. در تفسیر عیاشی، ابی بصیر از امام صادق^(ع) روایت کرده که ایشان

فرموده است:

«چون روز قیامت شود، هر دسته از مردم به نام امام خود خوانده می‌شوند؛ آنانی که در عصر آن امام مرده‌اند، اگر نام امام خود را بدانند و او را به امامت شناخته باشند، نامه عمل ایشان به دست راستشان داده می‌شود؛ چرا که خدای تعالی فرموده است: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُوْتِنِكَ يَقْرَءُ وَنَ كِتَابِهِمْ وَ لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾ (به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم! کسانی که نامه عمل ایشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می‌خوانند و به قدر رشته شکاف هسته خرمايي به آنان ستم نمی‌شود! ﴿(الإسراء/ ۷۱). کلمه یمین به معنای معرفت و اثبات امام است، چون کتاب همان امام اوست که می‌خواند تا آنجا که امام فرمود: کسی که امام خود را نشانسد، از اصحاب شمال است؛ یعنی همان کسانی که خدای تعالی درباره ایشان فرمود: ﴿وَ أَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ * فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ * وَ ظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ﴾ و اصحاب شمال! چه اصحاب شمالی (که نامه اعمال به نشانه جرم آنان به دست چپ آنها داده می‌شود)! * آنها در میان بادهای کشنده و آب سوزان قرار دارند * و در سایه دودهای متراکم و آتش‌زا! ﴿(الواقعه / ۴۱-۴۳)﴾ (عیاشی، ۱۴۲۱ق: ۲۶۳).

۴-۵-۲. در تفسیر قمی، ضمن روایتی از ابی الجارود از حضرت ابی جعفر^(ع) نقل شده که آن جناب ذیل آیه ﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾ ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست، اما لباس پرهیزگاری بهتر است. این‌ها (همه) از آیات خداست تا متذکر (نعمت‌های او) شوند! ﴿(الأعراف / ۲۶)﴾، فرمود:

«مراد از لباس همین لباسی است که می‌پوشند نه ریش، متاع و مال. مراد از

لباس تقوا، لباس عفاف است؛ زیرا شخص عقیف مانند کسی که لباس به تن

دارد و عورت و عیش پوشیده است، هر چند لباس نداشته باشد، به خلاف فاجر که هر چند لباس بپوشد، عورت و معایب آن پیداست» (قمی، ۱۳۷۶: ۲۶۶ و ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

۴-۵-۳. در کتاب کافی به سند خود از یونس، از حضرت ابی الحسن (ع) روایت کرده است که خداوند انبیاء را بر نبوت آفرید و آنان جز نبی نتوانند بود، مؤمنان را هم بر ایمان آفرید و آنان نیز جز مؤمن نتوانند بود و به مردم دیگر ایمان را به عاریت داده که اگر می خواست تا به آخر برای ایشان باقی می گذارد و اگر نخواست، از آنان می ستاند و در این زمینه است که می فرماید: «آنگاه فرمود: ﴿فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ﴾ ایمان فلانی مستودع بود که خداوند وقتی دید به ما دروغ بست، از او باز گرفت و این در آیه ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ﴾ او کسی است که شما را از یک نفس آفرید و شما دو گروه هستید: بعضی پایدار (از نظر ایمان یا خلقت کامل)، و بعضی ناپایدار. ما آیات خود را برای کسانی که می فهمند، تشریح نمودیم! ﴿(الأنعام/۹۸)﴾ (کلینی، ۱۳۸۶: ۴۱۳ و طباطبائی، ۱۳۸۹: ۵۹۱).

۴-۵-۴. در محاسن برقی از بعضی روایات شیعه نقل شده که او بدون ذکر سند گفته است منظور از تکبیر در جمله ﴿وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید. باشد که شکرگزاری کنید! ﴿(البقره/۱۸۵)﴾ (برقی، ۱۳۷۱: ۲۴۲ و طباطبائی، ۱۳۸۹: ۳۸).

۴-۵-۵. در مجمع البیان ذیل آیه ﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ آیا کسی که دلیل روشنی از سوی پروردگارش دارد، همانند کسی است که زشتی اعمال او در نظرش آراسته شده است و از هوای نفسش پیروی می کند؟! ﴿(محمد/۱۴)﴾، از بعضی نقل کرده که گفته اند منظور «منافقین» هستند و این مطلب از امام جعفر (ع) روایت شده است (طبرسی، ۱۳۷۹: ۱۰۰ و طباطبائی، ۱۳۸۹: ۳۵۲).

۴-۵. تأویل یا بیان باطنی آیه

تأویل از ماده «اول» و به معنای «رجوع» است و وقتی به باب تفعیل می‌رود، معنای «برگردان» را می‌دهد. پس تأویل مشابه برگرداندن معنای آن به یک مرجع و مأخذ است و تأویل قرآن به معنای مأخذی است که معارف قرآن از آنجا گرفته می‌شود (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۶۶).

۴-۶-۱. در تفسیر برهان از ابن بابویه به سند خود از حفص بن غیاث از امام صادق^(ص) روایت آورده‌است که فرمود:

«منظور از "یوم الطلاق" روزی است که اهل آسمان‌ها و زمین برمی‌خورند، منظور از "یوم التناد" روزی است که اهل دوزخ اهل بهشت را ندا می‌دهند و منظور از "یوم الحسرة" روزی است که مرگ را آورده، ذبح می‌کنند و دیگر کسی دچار مرگ نمی‌شود» (البرهان، ۱۴۱۶ق: ۳۴۲).

۴-۶-۲. در کافی از امام صادق^(ع) روایت آمده که فرمود مراد از «نور»، آل محمد و مراد از «ظلمات» دشمنان انبیا هستند (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۸۶: ۲۳۵).

۴-۶-۳. در علل الشرایع، به سندی که به انس بن مالک می‌رسد، از حدیثی طولانی رسول خدا^(ص) روایت شده که در آن به پرسش‌های عبدالله بن سلام پاسخ می‌داد مبنی بر اینکه «علامت‌های قیامت چیست؟» امام فرمود علامت‌های قیامت آتشی است که مردم را از شرق به سوی غرب جمع می‌کند (ر.ک؛ ابن بابویه قمی، ۱۳۸۵: ۵۶۷).

علامه می‌گوید این روایت اشاره به باطن آیه است که اشاره به حوادث قیامت می‌کند، نه بیان ظاهری آن‌ها (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۸۹: ۳۶۸).

نتیجه گیری

با بررسی بحث‌های روایی سراسر تفسیر المیزان این نتیجه حاصل می‌شود که علامه طباطبائی به تفصیل به ارزیابی روایات پرداخته‌است و با دلایلی محکم، مانند ناسازگاری روایت با سیاق به دلیل شواهد درونی، ناسازگاری روایت با سیاق آیه در بیان مکی و مدنی بودن و مخالفت روایت با سیاق آیه به دلیل حمل معنای کل آیه بر یک واژه و... روایات را رد می‌کند و در مواردی، مانند موافقت روایت با آیات قرآن، استعمال قرآن، و روایت از نوع جری و تعدیل، آن‌ها را می‌پذیرد. علاوه بر این، ایشان روایاتی را که دیگر مفسران به دلیل مخالفت با ظاهر آیه نمی‌پذیرند، با بررسی دقیق، آن‌ها را از نوع تأویل و بیان باطنی آیه می‌داند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق). (۱۳۸۵). *علل الشرایع*. قم: مؤمنین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۸ ق.). *لسان العرب*. بیروت: دار الإحياء التراث العربی.
- احمدی، حبیب‌الله. (۱۳۷۶). *پژوهشی در علوم القرآن*. تهران: انتشارات علوم اسلامی.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ ق.). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: مؤسسه البعثة.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). *محاسن*. قم: دار الكتاب الإسلامية.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ ق.). *صاح اللغة*. بیروت: دار العلم.
- حجتی، سید محمدباقر. (۱۳۸۶). *تاریخ علوم القرآن*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۲ ق.). *مصباح الأصول*. قم: مکتبه الداوری.
- دلبری، سیدعلی. (۱۳۹۱). *آسیب شناسی فهم حدیث*. مشهد: انتشارات علوم اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۹۰). *المفردات*. مصر: مکتبه مصطفی البانی الحلبي.

- زرکشی، بدرالدین. (۱۹۷۷م). *البرهان فی علوم القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۳۷۹). *درالمنثور فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار الفکر.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۸۹). *المیزان*. قم: انتشارات جامعه اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۹). *مجمع‌البیان*. قم: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____ . (۱۳۷۷). *توحید*. تهران: حوزه علمی قم.
- عاملی، جواد. (۱۳۷۸). *تفسیر عاملی*. بیروت: دار الفکر.
- عیاشی، محمدبن مسعود. (۱۴۲۱م). *تفسیر عیاشی*. قم: مؤسسه البعثة.
- قرشی، سید علی‌اکبر. (۱۳۸۱). *قاموس القرآن*. تهران: دارالکتاب اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۷۶). *تفسیر قمی*. قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۸۶). *کافی*. تهران: اسوه.
- متقی‌الهندی، علاء‌الدین علی. (۱۴۰۱ق). *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*. مدینه: مؤسسه الرساله.
- معین، حسن. (۱۳۸۸). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: انتشارات فرهنگ‌نما.
- مؤدب، سیدرضا. (۱۳۷۸). *علم‌الحديث*. قم: انتشارات احسن‌الحديث.